

بنام دوست یکتا و مقصود یکتا و محبوب یکتا

یا ائمار سدره ندای مالک بریّه را از این بریّه اصغا نمائید این همان صحرائیست که ندای روح در آن مرتفع و نفعات حبیب در او متضوّع در این پیدا اکثر از نبیین و مرسلین به لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ ناطق بودند چه که ندائی که الیوم مرتفع است از قبل شنیده و اصغا نموده‌اند و کل از حقّ لقای این یوم مبارک امنع اقدس را سائل بودند اینست آن دیاری که بحجر و مدر آن قسم یاد نموده‌اند چه که بقدم الهی مشرف و بنفعات قمیص فائز اینست آن مقامی که مکلمّ طور از قبل بانئی انا الله ناطق و حال هم بهمان کلمه ناطق رغماً للذین کفروا بآیاته و اعرضوا عن الذی بحرکه اصبعه انشقت الأرض و انفطرت السماء و باراده منه نفخ فی الصور و انصعق من علی الأرض الا من شاء الله ربکم العلیم الحکیم ابن عمران در این بیابان که طور عرفان در آن واقع است چه مقدار تضرّع و زاری نمود که شاید بلقای رحمن فائز شود و بالأخره اصغا نمود آنچه را که تفصیل آن در کتب مسطور است طوبی از برای ارضی که امروز بشرافت کبری فائز شد و بانوار ظهور مزین گشت طوبی از برای ارضی که مقررّ عرش و محلّ کرسی ربّ واقع شد هذا مقام یجد منه کلّ ذی شمّ عرف الرحمن و یری کلّ ذی بصر افقه الأعلى طوبی لکم یا ائمار سدره الوجود بما فترتم بآیامی و سمعتم ندائی و تشرقتم بآثاری الّتی بشرتم بها فی کتب القبل من لدی الله ربّ العالمین انا نوصیکم بالأعمال الحسنه تالله بها یرتفع امر الله بین عبادہ و تنصب رایة العدل فی بلاده تمسکوا بما علمکم الله فی کتابه و تشبّثوا بما ینفعکم فی کلّ عالم من عوالمه انه لهو الذی به اشرقت شمس الفضل من افق الابداع و ظهر بحر الکرّم فی ملکوت الانشاء کذلک نطق القلم فی هذا المقام الأعلى من لدی الله مالک العرش و الثری طوبی لمن سمع و عرف و ویل للغافلین انشاءالله باید بکمال الفت و اتّحاد بذکر مالک ایجاد مشغول باشید از حقّ میطلبیم جمیع را در ظلّ سراق یگانگی جمع نماید هر امری باسباب منوط و معلق است کذلک قدرّ من لدن مقتدر قدیر مشاهده در انسان نمائید که صاحب دو دست و دو رجل و دو چشم و دو گوش است و باین اسباب مسبّب الأسباب ظاهر فرموده آنچه که بر هیچ بصیری پوشیده نیست و اگر در این اجتماع ارکان تشنّتی واقع شود انسان بی اثر و ثمر خواهد ماند باید نفوسی که از کوثر حیوان آشامیده‌اند و بافق رحمن ناظرند بکمال اتّحاد و حکمت قیام نمایند آفتاب قدرت از افق اتّفاق مشرقست و قمر قوت از آسمان اتّحاد لائح جهد نمائید تا آنچه از قلم اعلی ظاهر شده بیابید و عمل نمائید ایّاکم ان تحزنکم شؤونات الخلق و اشاراتهم و وضوئهم و اعمالهم ان افرحوا بالله و آیاته و ما یدکرکم به فی ایامه معادله نمینماید بحرفی از کتاب آنچه مشهود و آنچه مکنون است هر نفسی الیوم بذکر الهی فائز شد او از اهل بهاء محسوبست کذلک ذکرناکم بما ترتفع به مقاماتکم و شؤوناتکم ان اشکروا الله بهذا الفضل العظیم یا اهل الکاف و الرّاء طهّروا اذانکم لتسمعوا ندائی الأحلی لعمری من فاز باصغائه انه لا تمنعه شؤونات العالم و لا یحزنه ظلم الأمم یقوم علی الأمر و ینطق بالحکمة و البیان بین ملا الامکان کذلک یامرکم ربکم الرحمن الذی ما اتخذ لنفسه شریکاً و لا نظیرا ان اقرؤوا آیاتی و سیروا فی ممالک عرفانی و تمسکوا بحبل عنایتی ثمّ اعملوا بما امرناکم به فی کتاب کان من سماء الأمر منزولا ایّاکم ان تختلفوا فی امر الله اتقوا الله و لا تتبعوا کلّ کاذب کان عن بحر الصّدق محروما کم من عالم احتجب بالعلم و کم من غنیّ منع بالغناء و کم من امّیّ اقبل الی الوجه و آمن بالذی اتی من سماء الأمر بسلطان کان علی العالمین محیطا تالله لیس الیوم یوم الوقوف قد ظهر المنظر الأكبر و ینطق فیهِ مالک القدر طوبی لمن سمع و فاز بالنداء و ویل لكلّ غافل کان عن بحر القرب بعیدا تمسکوا بما ترتفع به مقاماتکم بین العباد و هذا الأمر الذی کان من قلم الوحی فی امّ الکتاب مذکوراً انشاءالله باید جمیع بکمال حکمت و همّت بر امر الله قیام نمائید بشأنی که اعراض من علی الأرض شما را منع نماید امر بسیار عظیمست و یوم بسیار بزرگ اینست آن یومی که در اکثر کتب بیوم الله نامیده شده و اینست آن یومی که میفرماید حقّ در آن ظاهر میشود و صفوف ملائکه بخدمت قیام مینمایند احدی بر وصف این یوم مبارک علی ما ینبغی قادر نبوده و

نخواهد بود جهد نمائید تا در ایام الله عمل پاک مقدسی از شما ظاهر شود مبلغ امر امروز عمل نیکست بشنوید ندای مظلوم را و بآنچه لوجه الله تکلم مینماید و امر میفرماید بآن عامل شوید تفکر در اختلافات عالم و قبور آن و نفوسی که در آن آرمیده‌اند نمائید این ثروتهم و علومهم و فنونهم و این معادلهم و مخازنهم و این جنودهم و صفوفهم و این غرورهم و قصورهم و این قدرتهم و اقتدارهم قد رجعوا الى التراب بخسران عظیم الا من صعد الى الرفیق الاعلی بحب الله مالک الأسماء لعمر الله انه فی مقام کریم

و فی آخر اللوح نذکر امائی اللائی آمن بالفرد الخیر کم من عبد منعه الغرور عن مالک الظهور و کم من امة اقبلت الى البيت المعمور و آمنت بالله رب العالمین يعطى من یشاء ما اراد انه لهو الفرد الواحد المقتدر القدير طوبى لأمة فازت بأیامى و اقبلت الى افقى و تشبثت بذیلی المنیر قسم بآفتاب افق بیان که آنچه من عند الله از برای یک عبد مؤمن و یک امه مؤمنه مقدر شده احدی بر احصای آن قادر نبوده و نیست الیوم حجابات فانیه مکدره مختلفه ناس را از مالک بریه منع نموده و اگر اقل از سم ابره کشف حجاب شود کل بکلمه یا حسرة علینا بما فرطنا فی جنب الله و ایامه ناطق گردند آید یومی که آنچه حال مستور است ظاهر گردد سوف یرون الموحدون و المخلصون و الذاکرات و القانتات ما قدر لهم و لهن فی کتاب نطق بالحق بین السموات و الأرض و دعا الكل الى العلیم الحکیم الحمد لله مالک هذا الیوم العظیم

این سند از [کتابخانه مراجع بهائی](http://www.bahai.org/fa/legal) داندلده شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجه به مقررات مندرج در سایت www.bahai.org/fa/legal استفاده نمائید.

آخرین ویراستاری: ۲۸ فوریه ۲۰۲۳، ساعت ۱۰:۰۰ بعد از ظهر